

**سلبریتی‌ها و مصونیت قضایی؟!** 

میکائیل دبانی: امروز جامعه ایران با «بحران گروه مرجع» دست به گریبان است، جریان‌های سیاسی و شخصیت‌ها دیگر در جایگاه مرجعیت تحلیل و تصمیم و نظر مردم قرار ندارند و جامعه نیز به این دلیل دچار قشری‌گری و سطحی‌انگاری در مسائل مختلف است. از طرف دیگر با دیجیتالی شدن دوران و حضور حداکثری جامعه در فضای مجازی –که بنا به آمار در ایران ۸۰ میلیونیش از ۴۰ میلیون کاربر تلفن هوشمند و فعال در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام و... وجود دارد - آنچه برای مردم از جحیت پندار کرده است، دنبال کردن کسانی است که «بیشترین دنبال‌کننده» را دارند. اساسا در عصر حاضر «سلبریتی‌ها» که وزن اهمیت‌شان به تعداد فالوئرهای‌شان با می‌گردد، جایگزین «گروه‌های مرجع» برای جوامع شدند و این خود به سطحی‌تر شدن جامعه منتج شده است اما خطرناک آنجاست که برای این سلبریتی‌ها توهم مرجعیت اجتماعی جدی شود و به نسخه‌پیچی برای اجتماع رو آورند. هنوز چند ماه از کمپین علی کریمی درباره «خریدن کالا» نگذشته است؛ کریمی یک چهره محبوب ورزشی است با چند میلیون فالوئر اینستاگرامی و پس از دعوت به خریدن کالا، به سرعت موجی از این کمپین توسط دیگر سلبریتی‌ها و طرفداران آنها به راه افتاد، بدون آنکه هیچ‌کدام‌شان ۲ واحد علم اقتصاد خوانده باشند یا تخصصی در حوزه اقتصاد داشته باشند؛ کمپینی که به تحلیل اقتصاددانان اگر عملیاتی می‌شد لطمه بزرگی به حوزه اقتصاد و افزایش رکود و بیکاری در کشور می‌زد. یا اگر کمی عقب‌تر برویم کمپین سلبریتی‌های سینمایی درباره عدم قصاص اسیدپاش آمنه بهرامی که در نهایت بهرامی را تحت فشار افکار عمومی مجبور به بخشش کرد و نتیجه آن جسارت پیدا کردن و قبیح‌دابی از اسیدپاشی در کشور شد و به فاصله چند ماه ماجرای اسیدپاشی‌های اصفهان به‌وقوع پیوست؛ اتفاقی که جامعه‌شناسان و مددکاران آن را نتیجه همین کمپین سلبریتی‌ها و هدایت غلط آنها در موج‌سازی اجتماعی‌شان دانسته بودند.

اما سوالی که اینجا همواره مطرح است این است که آیا سلبریتی‌ها مسئولیت‌ناچیزی را که در مرجع قرار گرفتن‌شان به وقوع می‌پیوندد می‌پذیرند؟! این سوالی است که امروز بسیاری از نخبگان نیز در مواجهه با سلبریتی‌ها می‌پرسند و پاسخ آن تاکنون خیر بوده است. عمده سلبریتی‌ها در این چالش بیشتر فرار از پاسخگویی یا فرار به جلو و ورود به مسائل دیگر برای فراموش شدن اشتباه و خطای‌شان را در دستور کار قرار می‌دهند و «فقدان حافظه تاریخی» و فراموشی عمومی جامعه باعث می‌شود اشتباهات آنها به سرعت فراموش شود و این درحالی است که دستگاه‌های قانونی نیز به واسطه شهرت و محبوبیت اجتماعی از برخورد قانونی با آنها صرف نظر می‌کنند و این خود به سیکل سطحی شدن سلبریتی، موج‌سازی غلط اشتباهی و پیروی مردم از این آدم‌های اشتباهی کمک می‌کند.

در آخرین پدیده از این نسخه‌پیچی‌ها اخیرا مهناز افشار با انتشار ویدئویی در فضای مجازی مردم را به تزریق یک آمپول تشویق کرد. این بازیگر در این فیلم اعلام می‌کند «طبق آماري که رسیده سالانه ۶ هزار نفر بر اثر سوءمصرف مواد مخدر جان خود را از دست می‌دهند. با تزریق آمپول نالوکسان می‌توان جلوی مرگ این افراد را گرفت، طبق آماري که رسیده این نالوکسان آمپولی ارزان قیمت است که بدون نسخه پزشک می‌توانید از داروخانه تهیه کنید. لطفاً اطلاع‌رسانی کنید خانواده‌ها در جریان قرار بگیرند و بتوانیم این آسما را کاهش دهیم». این نسخه‌پیچی جاهلانه در حوزه تخصصی پزشکی در حالی است که بنا به گفته سخنگوی سازمان غذا و داروی وزارت بهداشت «استفاده آن عموماً بیمارستانی و به تجویز پزشک است، چرا که ممکن است حین تزریق عوارض خطرناک و حتی مرگ‌آوری برای بیمار در پی داشته باشد، چنانکه بسیاری از داروها برای مشکلات مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد اما خوددردمانی و خودتجویزی آنها ممکن است فاجعه‌آفرین باشد. کاربرد اصلی این دارو در موقعیت‌های اورژانسی است که در اورژانس‌های بیمارستانی و پیش‌بیمارستانی و اتاق عمل و ریکاوری استفاده می‌شود».

حالا مهناز افشار با چند پست اینستاگرامی و... این موضوع را به فراموشی می‌سپارد، فارغ از اینکه معلوم نیست ویدئوی منتشر شده‌اش با جان چند نفر بازی کند و این در حالی است که مراجع قانونی بدون برخورد، دست او و امثال او را همچنان باز می‌گذارند که هر چه می‌خواهند بگویند. این اتفاق اما در شرایطی در حال وقوع است که به‌صورت هم‌زمان در کشور دیگری مانند ترکیه ۴ نفر از سلبریتی‌هایی که مبلغ دارویی بودند که محتوای مخدر نیز داشته حالا دادگاهی‌اند.

**پرونده «وطن امروز» درباره سریال موضع‌گیری‌های سلبریتی‌ها در عرصه‌های گوناگون که به قسمت‌های خطرناک خود رسیده است**

# نسخه‌های مرگبار

**جنگ شهرت با تخصص**

mahnaz\_afshar • Follow

متأسفانه هر سال بیش از ۶۰۰۰ mahnaz\_afshar نفر از جوانان نازنین مملکتمان بر اثر سوء مصرف مواد مخدر از این دست می‌دهند در صورتیکه این عزیزان می‌توانند با دریافت یک آمپول نالوکسان حیات بگنزند. هزینه این دارو بسیار ارزان است و در داروخانه‌ها هم در ایران موجود است تنها نیاز به اطلاع‌رسانی در میان جوانان و خانواده آنها جهت استفاده بهنگام در زمان بروز عوارض ناشی از سوء مصرف و تهییر سیاستگذاری کلان جهت ارائه این دارو در داروخانه‌ها به افراد بدون نیاز به دریافت نسخه پزشک می‌باشد. نباید با یک اقدام جان یک جوان عزیز را نجات می‌زند».

شاید باورش سخت باشد اما این واکنش طلبکارانه‌ای بود که «مهناز افشار» پس از موج اعتراضات متخصصان پزشکی نسبت به ویدئوی منتشر شده از او پیرامون تشویق به خرید بدون نسخه آمپول نالوکسان داشت. این سلبریتی پر حاشیه در واکنش طلبکارانه و بدون عذرخواهی خود نه‌تنها با بیان اینکه به پیشنهاد یک خواننده خارج‌نشین دست به چنین تبلیغی زده است، گلابه‌ها از خود را حواله به شخص دیگری داده است، که با کنایه «دکتر هم دکترای قدیم» اساسا واکنش جامعه پزشکی به تبلیغ مرگبار خود را اتفاقی دور از انتظار فرض کرده و حاضر به عیب‌نیشینی از کار اشتباه خود نشده است.

**مصرفش خطرناک است، فروشش ممنوع است، تبلیغش جرم است!**

هر چند تبلیغ جدید خانم بازیگر با واکنش سریعی که در فضای مجازی توسط متخصصان انجام شد تا حد زیادی مهار شد اما گلابه‌ها از این سبک دخالت بدون کارشناسی سلبریتی‌ها در حوزه‌هایی که سلامت جسمی و روانی جامعه را با مخاطره مواجه می‌کند وارد فاز جدیدی شد. در یکی از واکنش‌ها «کرملی‌باصری» متخصص بی‌هوشی در مصاحبه‌ای با خبرگزاری فارس گفت: آمپول نالوکسان برای داروها و مواد ضد درد مثل مخدرها استفاده می‌شود. مصرف این دارو خارج از اتاق عمل بسیار خطرناک است و ممکن است آریتمی و بهم زدن ضربان قلب را در پی داشته باشد.

استفاده این دارو باید تحت نظر پزشک باشد و این از مواردی است که حتماً باید تحت نظر متخصص مصرف شود. و حتی در بخش بیمارستان هم مورد استفاده نیست و تنها در اتاق عمل استفاده می‌شود. وی در پاسخ به این سوال که این دارو در موارد سوءمصرف مواد مخدر و اوردوژها استفاده دارد یا خیر، گفت: اصلاً چنین چیزی نیست و این تاثیر به صورت لحظه‌ای بوده و برای آن زمانی که دچار اوردوژ شده است باید توسط پزشک متخصص تزریق شده و فرد کاملاً متعادل شود و این شده است که موازی با

بی‌هوشی در مصاحبه‌ای با خبرگزاری فارس گفت: آمپول نالوکسان برای داروها و مواد ضد درد مثل مخدرها استفاده می‌شود. مصرف این دارو خارج از اتاق عمل بسیار خطرناک است و ممکن است آریتمی و بهم زدن ضربان قلب را در پی داشته باشد.

استفاده این دارو باید تحت نظر پزشک باشد و این از مواردی است که حتماً باید تحت نظر متخصص مصرف شود. و حتی در بخش بیمارستان هم مورد استفاده نیست و تنها در اتاق عمل استفاده می‌شود. وی در پاسخ به این سوال که این دارو در موارد سوءمصرف مواد مخدر و اوردوژها استفاده دارد یا خیر، گفت: اصلاً چنین چیزی نیست و این تاثیر به صورت لحظه‌ای بوده و برای آن زمانی که دچار اوردوژ شده است باید توسط پزشک متخصص تزریق شده و فرد کاملاً متعادل شود و این شده است که موازی با

**کمک‌های اولیه‌ای برای روز مبادا!**

زلزله مرگبار آبان سال گذشته در کرمانشاه کالی بود تا در عرض چند ساعت حجم انبوهی از شماره کارت از جانب سلبریتی‌ها برای جمع‌آوری کمک به زلزله‌زدگان منتشر شود. در این میان حتی «صادق زیباکلام» استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران نیز دست کار شد تا با شرکت در مسابقه جمع‌آوری کمک‌های نقدی مردم برای زلزله کرمانشاه از سایر هنرمندان و ورزشکاران عقب نماند. اطلاعیه‌های سازمان هلال‌احمر و توصیه‌افراد متخصص برای جمع شدن همه کمک‌ها در یک نهاد و با نیت برنامه‌ریزی بهتر برای نحوه خرج کردن آنها هم اثرگذار نبود و سلبریتی‌ها با شکل دادن یک موج حمایتی باعث شکل گرفتن فضایی از بی‌اعتمادی نسبت به مهم‌ترین نهاد امدادی کشور شدند. اما داستان به اینجا نیز ختم نشد و پس از مدتی خبرها حکایت از آن داشت که عمده کمک‌های واریزی مردم کم‌کم در حساب سلبریتی‌ها است و برخی از آنها نیز اعلام کردند قصد نداشته و ندارند تا اطلاع ثانوی اقدام به خرج کردن این پول‌ها کنند. سرنوشت مهم پول‌های میلیاردی جمع‌آوری شده در حساب هنرمندان و ورزشکاران صدای نماینده کرمانشاه را نیز درآورد و «عبدالرضا مصری» با بیان اینکه «سرنوشت پول واریز شده به حساب سلبریتی‌ها مشخص نیست و معلوم نیست کجا هزینه شده است» ابعاد جدیدی را از این مساله مشخص کرد. در نهایت چندی پیش بود که «محسنی‌ازامی» سخنگوی قوه‌قضائیه نیز با اعلام اینکه «هن همان اوایل که این جمع‌آوری کمک مطرح بود گفتیم اگر این افراد شفاف‌سازی کنند و محل هزینه را دقیق معرفی کنند ایرادی ندارد اما اگر کسی ادعا کند برای کمک پول جمع می‌کند و مردم هم به همین عنوان به او پول پرداخت کنند، باید در همان مورد هزینه کند و اگر این کار را نکنند شهادت از وی بررسی می‌شود» خبر از ورود دستگاه قضا به این مساله داد.

**خرید نکنیم تا ارزان شود!**

«لطفا همتون این پست رو بذارید تو پیجتون... نباید تا یک ماه چیزی از بازار نخیریم؛ نه طلا، نه ماشین، نه هر چیزی که گرون شده... نباید واسه به بار همه با هم اتحاد پیدا کنیم و چیزی نخیریم مثل بقیه کشورا که چیزی گرون میشه همه نمی‌خرن تا مجبور بشن جنسارو از ارزون کنن... ایرانی هستی این پست رو بذار... هممون حمایت کنی تا دستت دلال و دزدا بره از این کشور». این متن با حجم اینستاگرامی و سطحی‌نگری یکی از مهم‌ترین اقدامات و نقش‌آفرینی‌های اجتماعی سلبریتی‌ها محسوب می‌شود که اواخر خرداد توسط «علی کریمی» رونمایی شد و در عرض چند ساعت هزاران بار انتشار پیدا کرد. فوتبالیست بازنشته‌ش محبوب کشورمان به خیالش می‌خواست با باعث افت قیمت‌ها و کوتاه شدن دست دلالان و دزدها شود. فارغ از آنکه هرچقدر متن مورد اشاره بیشتر انتشار پیدا می‌کرد صف‌های خرید کالای گران شده طویل‌تر می‌شد. آنچه بیش از همه خطرناک به نظر می‌آمد آن بود که این این مطالبه عمومی به دور از تخصصی اقتصادی و صرفاً بر مبنای نتیجه‌گیری‌ای سطحی قرار بود «مثل بقیه کشورا که چیزی گرون میشه همه نمی‌خرن تا مجبور بشن جنسارو از ارزون کنن» باعث کاهش قیمت‌ها شود! همراه شدن فرضی مردم با کمپین فوتبالیست مشهور و خرید نکردن در زمانه‌ای که کشور درگیر یک رکود بود براحتی می‌توانست اقتصاد ایران را با بحران‌های جدیدی مواجه کند. واکنش انبوه اقتصاددانان به این درخواست هر چند با استقبال مواجه نشد اما تجربه سخت شکست این چالش ملی! باعث شد پس از مدتی همگان از آن به‌عنوان یکی از کم‌دلی‌های مجازی کشورمان با بازیگرانی یک سلبریتی یاد کنند.

رسانه‌های رسمی، رسانه‌های مجازی نیز تبدیل به میدان پر زرق و برقی در مقوله تبلیغات شود. نقش کلیدی سلبریتی‌ها در تبلیغات کالاها به بعضا امکان تبلیغ رسمی‌شان نیست و تلاش آنان برای تاثیرگذاری در غالب حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی منجر به آن شده است تا تقریباً همه روزها شاهد جنجال‌های ناشی از موضع‌گیری‌های سلبریتی‌هایی باشیم که مخاطبان میلیون‌ها نفر را به مثابه لشکری مجازی باعث پیدا کردن اعتماد به نفس در این افراد شده‌اند. شبکه‌های مجازی با تبدیل کردن سلبریتی‌ها به گروهی پرنفوذ که با پشتوانه «شهرت»، خود را دارای «مصونیت از پاسخگویی» می‌دانند، توانایی نفوذی عجیب در غالب عرصه‌ها را برای گروهی با کمترین میزان از تخصص فراهم آورده است. موضع‌گیری‌هایی که از لزوم حذف نذری‌ها و کمک به فقرا آغاز می‌شود و

تا تعیین کردن چارچوب‌های قانونی جدید پیرامون مجرمان و غیرانسانی خواندن حکم «قصاص» نیز پیش رفته است. مجموعه این مباحث منجر به آن شده است تا سوال پیرامون چگونگی مواجهه با این موج مخرب تبدیل به

یکی از سوالات مهم و کلیدی این روزها شود. سلبریتی‌هایی که از یکسو بخش عمده‌ای از فعالیت‌شان در چارچوب حقوق فردی شهروندان غیرقابل انکار است و از سوی دیگر ادامه نفوذشان منجر به شکل‌گیری امواج مخربی در فضای اجتماعی کشور می‌شود. قبول مسؤلیت در غالب عرصه‌ها و عدم پاسخگویی در تمام موارد ورود کرده باعث آن شده است تا حضور سلبریتی‌ها در همه عرصه‌ها ما را با بحرانی از قبیل آنچه درباره آمپول نالوکسان شاهدش بودیم مواجه کند.

**مجازات نکنیم، مهربان باشیم!**

شاید بتوان یکی از قدیمی‌ترین و ریشه‌دارترین ورودهای هنرمندان به عرصه‌های تخصصی را ورودهایی دانست که در عرصه مباحث قضایی و حول محور مجازات مجرمان شکل گرفته است. پرونده مشهور و جنجالی «شهلا جاهد» که از آن به‌عنوان یکی از پرسروصداترین پرونده‌های دهه ۸۰ می‌توان یاد کرد از نخستین واکنش‌های سلبریتی‌ها به یک رویه قضایی در کشورمان است. بستن «بهاره رهنما» در حمایت از یک زندانی و شکل دادن به موج ابراز همدردی برای آزادی و مشخص شدن نهایی این مساله که فرد حمایت شده دارای سابقه عضویت در گروهک‌های تروریستی تجزیه‌طلبانه بوده و مشغول اقدام مسلحانه بوده است، پست چندی پیش «ترانه علیدوستی» که حکومت پلیس بابت برخورد با مجرمی که در حال حمله کردن به پرسنل نیروی انتظامی بوده است؛ وی در آن پست با نوشتن «نگار بجهای نشسته توی ماشین در حال فیلمبرداری نم‌انگیزترین نکته این ویدئو صدای اونه که میگه درد، درد، داره پلیس مقتدر راهنمایی و رانندگی رو میبینه که چند نفری به جیون بدون سلاح رو میزنن. تصاویری بس آموزنده و انسان‌ساز برای نسل فردا. ننگ».

به محکوم کردن پلیسی پرداخته بود که در نسخه کامل فیلم مورد حمله یک مجرم قرار گرفته بود و موضع «باران کوری» که جلسه نقد و بررسی یک فیلم سینمایی و «غیرانسانی خواندن» حکم قصاص که با واکنش مجری - کارشناس آن جلسه نیز روبرو شد، از مهم‌ترین مصادیق ورود احساسی و غیرتخصصی سلبریتی در فرآیندها و قواعد قضایی محسوب می‌شود. سطحی کردن مواجهه عمومی با پدیده جرم و جنایت از یکسو و جابه‌جا کردن جایگاه مجرم به قربانی از سوی دیگر، مهم‌ترین عواقب این قبیل برخوردهای احساسی بوده است.

هرچند موضع‌گیری‌های عجیب از جانب سلبریتی‌ها تا به حال در عرصه‌های مختلف باعث واکنش‌های مختلفی شده است اما ورود چهره‌های مشهور به عرصه تبلیغات بهداشتی و درمانی باعث آن شده است تا اقداماتی از قبیل آنچه اخیراً سر زده است را مستقیماً درگیر با سلامت و روان جامعه دانست. در موردی نسبتاً مشابه خرداد سال جاری بود که برنامه پر مخاطب «ماه‌عسل» با دعوت از «یاسمن اشکی» و تعریف داستان زندگی وی، موضوع روزها سلبریتی‌هایی بوده که مخاطبان میلیون‌ها نفر را به مثابه لشکری مجازی باعث پیدا کردن اعتماد به نفس در این افراد شده‌اند. شبکه‌های مجازی با تبدیل کردن سلبریتی‌ها به گروهی پرنفوذ که با پشتوانه «شهرت»، خود را دارای «مصونیت از پاسخگویی» می‌دانند، توانایی نفوذی عجیب در غالب عرصه‌ها را برای گروهی با کمترین میزان از تخصص فراهم آورده است. موضع‌گیری‌هایی که از لزوم حذف نذری‌ها و کمک به فقرا آغاز می‌شود و

تا تعیین کردن چارچوب‌های قانونی جدید پیرامون مجرمان و غیرانسانی خواندن حکم «قصاص» نیز پیش رفته است. مجموعه این مباحث منجر به آن شده است تا سوال پیرامون چگونگی مواجهه با این موج مخرب تبدیل به

یکی از سوالات مهم و کلیدی این روزها شود. سلبریتی‌هایی که از یکسو بخش عمده‌ای از فعالیت‌شان در چارچوب حقوق فردی شهروندان غیرقابل انکار است و از سوی دیگر ادامه نفوذشان منجر به شکل‌گیری امواج مخربی در فضای اجتماعی کشور می‌شود. قبول مسؤلیت در غالب عرصه‌ها و عدم پاسخگویی در تمام موارد ورود کرده باعث آن شده است تا حضور سلبریتی‌ها در همه عرصه‌ها ما را با بحرانی از قبیل آنچه درباره آمپول نالوکسان شاهدش بودیم مواجه کند.

**مجازات نکنیم، مهربان باشیم!**

شاید بتوان یکی از قدیمی‌ترین و ریشه‌دارترین ورودهای هنرمندان به عرصه‌های تخصصی را ورودهایی دانست که در عرصه مباحث قضایی و حول محور مجازات مجرمان شکل گرفته است. پرونده مشهور و جنجالی «شهلا جاهد» که از آن به‌عنوان یکی از پرسروصداترین پرونده‌های دهه ۸۰ می‌توان یاد کرد از نخستین واکنش‌های سلبریتی‌ها به یک رویه قضایی در کشورمان است. بستن «بهاره رهنما» در حمایت از یک زندانی و شکل دادن به موج ابراز همدردی برای آزادی و مشخص شدن نهایی این مساله که فرد حمایت شده دارای سابقه عضویت در گروهک‌های تروریستی تجزیه‌طلبانه بوده و مشغول اقدام مسلحانه بوده است، پست چندی پیش «ترانه علیدوستی» که حکومت پلیس بابت برخورد با مجرمی که در حال حمله کردن به پرسنل نیروی انتظامی بوده است؛ وی در آن پست با نوشتن «نگار بجهای نشسته توی ماشین در حال فیلمبرداری نم‌انگیزترین نکته این ویدئو صدای اونه که میگه درد، درد، داره پلیس مقتدر راهنمایی و رانندگی رو میبینه که چند نفری به جیون بدون سلاح رو میزنن. تصاویری بس آموزنده و انسان‌ساز برای نسل فردا. ننگ».

به محکوم کردن پلیسی پرداخته بود که در نسخه کامل فیلم مورد حمله یک مجرم قرار گرفته بود و موضع «باران کوری» که جلسه نقد و بررسی یک فیلم سینمایی و «غیرانسانی خواندن» حکم قصاص که با واکنش مجری - کارشناس آن جلسه نیز روبرو شد، از مهم‌ترین مصادیق ورود احساسی و غیرتخصصی سلبریتی در فرآیندها و قواعد قضایی محسوب می‌شود. سطحی کردن مواجهه عمومی با پدیده جرم و جنایت از یکسو و جابه‌جا کردن جایگاه مجرم به قربانی از سوی دیگر، مهم‌ترین عواقب این قبیل برخوردهای احساسی بوده است.

**سلبریتی‌ها****و جامعه کوتاه‌مدت هیجانی**

صادق فرامرزی: ۱- «چه دستان پشت پرده‌ای مناسبات اجتماعی ما را تنظیم می‌کنند؟» این پرسش نسبتاً وهم‌آلود را می‌توان یکی از پرتکرارترین و در عین حال کلیدی‌ترین پرسش‌ها در طول ۱۰۰ سال اخیر دانست که هم در فضای عمومی و هم در فضای نخبگانی بارها مطرح شده و صلابت به پاسخ‌هایی متفاوت رسیده است. در فضای عمومی غالباً جواب پرسش به گروهی خاص محدود شده و فسلان ثروتمند، روحانی، گروهک مخفیانه و... تنها عامل و مدیر تنظیم‌کننده مناسبات اجتماعی لقب گرفته‌اند و متقابلاً در فضای نخبگانی نیز بسته به مکتب فکری هر گروه، جوابی مشابه صادر شده و تنها از قید خاص «فسلان» عبور کرده‌اند و صاحبان سرمایه، روحانیون، گروه‌های فشار و... را مهم‌ترین تنظیم‌کننده مناسبات اجتماعی دانسته‌اند.

با این حال اگر بخواهیم بدون اسیر شدن در این معما که دقیقاً کدام گروه بیشترین تاثیر را در مناسبات اجتماعی ایفا می‌کند، به دیدی کلان در این مقوله دست پیدا کنیم، ناچاریم «گروه‌های مرجع» را با تمام تکثر و تضادی که دارند به‌عنوان گروهی تشکیل‌دهنده از بازگیران متعدد حد واسط فضای نخبگانی و توده‌های جامعه هستند بشناسیم و بعد به تحلیل سایر اقتضاز از جمله صاحبان سرمایه، روحانیون و... بپردازیم.

۲- مشهور است که می‌گویند «کتابخانه یک فرد را نشانم بده تا بگویم چه جور آدمی است» و صدافسوس چندان مصطلح نیست که گفته شود «گروه‌های مرجع یک جامعه را نشانم بده تا بگویم با چه جامعه‌ای مواجه هستیم». با این مقدمه می‌توان نقدهای موجود به سلبریتی‌ها و گروه‌هایی را که نه مبتنی بر جنبه عقلانی که متکی بر جنبه هیجانی تبدیل به گروهی مرجع می‌شوند، در ۲ شاخه نقدهای شخصی و نقدهای مرجعی تقسیم کرد. به هزاران دلیل شایسته‌ها قدردانی یا ملامت دانست و از صدها سلبریتی با صفتی ممدوح یا مذموم یاد کرد اما سخن از اینکه آیا باید تبدیل شدن سلبریتی‌ها به گروهی مرجع را به کنشگری سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را به فال نیک گرفت یا خیر، ما را به فضایی فراتر از تشویق یک اقدام مثبت و تبییح یک اقدام منفی سلبریتی‌ها می‌برد، چرا که سلبریتی‌ها به مثابه یک گروه مرجع دیگری، ماهیتی کلان و متمایز از اقدام شخصی یک سلبریتی خواهد داشت.

۳- امر سیاسی و اجتماعی در منظومه سلبریتی‌ها امری کوتاه‌مدت، هیجانی و فاقد مسؤلیت است. سلبریتی‌ها همواره در «کوتاه‌ترین» زمان ممکن به «قطعی‌ترین» تصمیم می‌رسند و رابطه خود را با آن تنها در شکل یک «وظیفه» فرض می‌کنند. بارها شاهدیم که سلبریتی‌ها گفته‌اند تا دو شب مانده به انتخابات تمایلی به رای دادن نداشته‌اند (امر کوتاه‌مدت) اما به یکباره پس از شنیدن یک سخن تصمیم به مشارکت قطعی گرفته‌اند (امر هیجانی) و مدتی بعد نیز با یک ابزار پیشیمانی از نقش خود عبور کرده‌اند (فقدان مسؤلیت).

ممکن است گفته شود مجموعه این عناصر اقتضای فضای سلبریتی‌ها در برابر روشنفکران و اندیشمندانی است که اساساً سعی می‌کنند کوتاه‌ترین امر سیاسی و اجتماعی را در بلندمدت، مبتنی بر عقلانیت، عدم قطعیت و با قبول مسؤلیت پستی‌بیزیرند و این دو در کنار یکدیگر به اعتدالی جامعه کمک می‌کند. این سخنان هر چند ظاهری جذاب و دل‌فریب دارد اما در قلب خود ماهیتی انکارآمیز نسبت به آن دارد که صرفاً عمل یک سلبریتی کوتاه‌مدت، هیجانی و فاقد مسؤلیت نمی‌ماند و جامعه تحت تاثیر این گروه مرجع نیز الگوی تصمیم‌گیری خود را بر این مبنا تنظیم خواهد کرد.

۴- گسترش نفوذ شبکه‌های اجتماعی ناگزیر فضای نقش‌آفرینی سلبریتی‌ها و تبدیل کردن‌شان به گروهی مرجع را فراهم آورده است. هر چند در بررسی موردی نقش‌آفرینی‌های سلبریتی‌ها اقدامات مثبت انسان‌دوستانه زیادی هم یافت می‌شود اما باید دانست این مساله یعنی تبدیل شدن این گروه به گروه موثر و مرجع شدن در نهایت، امر اجتماعی و انسان‌دوستانه را نیز در قالب تبلیغاتی، هیجانی و کوتاه‌مدت تحت تاثیر قرار خواهد داد. سلبریتی‌ها حتی اگر بخواهند امر عقلانی کتابخوانی را نیز ترویج کنند آن را در طرف ابتداء و تقلیل‌گرایی می‌ریزند، چون ابزار و زبان مورد استفاده‌شان چنین ایجاب می‌کند. پس طبیعی است که مرجع شدن این گروه در شکل‌دهی به مناسبات اجتماعی حتمی در انسان‌دوستانه‌ترین حالات هم جامعه را درگیر اصالت یافتن هیجان کوتاه‌مدت به جای عقلانیت بلندمدت خواهد کرد.